



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۳۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای علی اکبر دهقانی

مقدمه

ادله‌ای که فقیه در استدلالات فقهی از آن بهره می‌برد، بر دو قسم است: ادله محرز و اصول عملی. ادله محرز نیز به دو صورت دلیل شرعی و دلیل عقلی وجود دارد و دلیل شرعی به صورت لفظی و غیرلفظی یافت می‌شود. با توجه به این‌که دلیل شرعی لفظی متشکل از الفاظ است، شناخت روابط میان لفظ و معنا بسیار مهم است. در درس پیش‌گفته، انواع سه‌گانه دلالت را مورد بررسی قرار دادیم و در این درس، درصددیم از وضع و حقیقت رابطه میان لفظ و معنا سخن گوئیم.

متن درس

الوضع و علاقته بالدلالات المتقدمة

و الدلالة التصورية هي في حقيقتها علاقة سببية بين تصور اللفظ و تصور المعنى، و لما كانت السببية بين شيئين لا تحصل بدون مبرر، اتجه البحث إلى تبريرها، و من هنا نشأت عدة احتمالات:

الأول: احتمال السببية الذاتية بأن يكون اللفظ بذاته دالاً على المعنى و سبباً لإحضار صورته. و لا شك في سقوط هذا الاحتمال لما هو معروف بالخبرة و الملاحظة من عدم وجود اية دلالة للفظ لدى الإنسان قبل الاكتساب و التعليم.

الثاني: افتراض ان السببية المذكورة نشأت من وضع الواضع اللفظ للمعنى، و الوضع نوع اعتبار يجعله الواضع و ان اختلف المحققون في نوعية المعبر، فهناك من قال إنه اعتبار سببية اللفظ لتصور المعنى، و من قال انه اعتبار كون اللفظ أداة لتفهم المعنى، و من قال إنه اعتبار كون اللفظ على المعنى، كما توضع الأعمدة على رؤوس الفراسخ.

وضع و ارتباط آن با دلالت‌های سه گانه

ذهن انسان به محض شنیدن الفاظ به معانی آن‌ها منتقل می‌شود؛ بی‌آنکه تأمل کرده یا نیازمند تفکر باشد. این نوع دلالت «دالت تصویری» نامیده می‌شود. طبیعی است که انتقال سریع ذهن از لفظ به معنا بدون دلیل و وجود رابطه میان لفظ و معنا امکان‌پذیر نیست. در حقیقت، این رابطه، سببیتی است که میان لفظ و معنا وجود دارد. رابطه و علاقه‌ای واقعی که بالوجدان در خارج یافت می‌شود و شخص به خوبی وجود این سببیت لفظ در انتقال به معنا را درک می‌کند.

در شناخت سبب پیدایش این رابطه میان بزرگان اصول اختلاف شده و هر یک در راستای تبیین آن عقیده‌ای را طرح کرده‌اند. در ادامه به بیان و بررسی اقوال اصولیان در این باره می‌پردازیم و در پایان دیدگاه صحیح را بیان می‌کنیم.

تطبیق

الوضع و علاقته بالدلالات المتقدمة^۱:

و الدلالة التصورية هي في حقيقتها علاقة سببية بين تصور اللفظ و تصور المعنى، و لما كانت السببية بين شيئين لا تحصل بدون مبرر، اتجه البحث إلى تبريرها، و من هنا نشأت عدة احتمالات:

وضع و رابطه آن با دلالت‌های گذشته: دلالت، در واقعیت خود، یک ارتباط سببی میان تصور لفظ و تصور معناست. و چون که سببیت میان دو چیز بدون دلیل حاصل نمی‌شود، بحث به سوی توجیه سببیت رو می‌کند. و از این جا احتمالاتی چند به وجود می‌آید.

Sco ۱ ۶:۱۰

اولین دیدگاه در علت پیدایش رابطه سببی میان لفظ و معنا

انتقال ذهن از لفظ به معنا بدون وجود یک رابطه قوی سببی میان لفظ و معنا امکان‌پذیر نیست. اولین دیدگاهی که درباره علت تحقق این رابطه بیان شده، «سببیت ذاتی لفظ» است. همان‌طور که ذات آتش، علت و سبب بروز گرما است و ذات روغن منشأ تحقق چربی است، ذات لفظ نیز علت انتقال ذهن به معنا است. حقیقت و ماهیت لفظ نیز به گونه‌ای است که شنونده به محض شنیدن آن بدون هیچ تأمل و تفکری به معنا منتقل می‌شود.

فساد دیدگاه سببیت ذاتی لفظ

مشخصه ذاتی این است که از ذات جدایی‌ناپذیر است و به مجرد وجود ذات، به وجود می‌آید. ممکن نیست آتش به وجود آید و گرما نداشته باشد یا روغن بدون وجود چربی محقق شود. آتش بدون وجود گرما، آتش و روغن بدون چربی، روغن نیست.

بنابراین اگر انتقال ذهن از لفظ به معنا، ذاتی لفظ باشد، نباید از لفظ تخلف نماید، بلکه سامع باید به محض شنیدن لفظ به معنا منتقل شود؛ در حالی که بالوجدان چنین نیست؛ زیرا کسی که معنای لغتی را نداند، با شنیدن آن لفظ به

^۱ دلالت تصویری، دلالت تصدیقی اولی، دلالت تصدیقی ثانوی.

هیچ معنایی منتقل نمی‌شود. این مسئله در مورد کسی که نسبت به یک زبان، بیگانه است به خوبی درک می‌شود؛ زیرا وی با شنیدن هیچ یک از الفاظ آن زبان به معنا منتقل نمی‌شود. این نکته گواه این است که ارتباط میان لفظ و معنا، ذاتی لفظ نیست و دیدگاه «سببیت ذاتی لفظ» مردود است.

تطبیق

الأول: احتمال السببية الذاتية بان يكون اللفظ بذاته دالاً على المعنى و سبباً لإحضار صورته. و لا شك في سقوط هذا الاحتمال لما هو معروف بالخبرة و الملاحظة من عدم وجود اية دلالة للفظ لدى الإنسان قبل الاكتساب و التعليم. احتمال اول^۱، احتمال سببیت ذاتی است، به این که ذات لفظ بر معنا دلالت کند و علت حاضر شدن صورت معنا باشد. شکی در بطلان این احتمال نیست؛ به دلیل امری که با تجربه و نظر معروف و شناخته شده است. مبنی بر این که هیچ دلالتی برای لفظ برای انسانی قبل از کسب علم و یادگیری وجود ندارد.

Sco۲ ۱۱:۰۳

دومین دیدگاه در علت پیدایش رابطه میان لفظ و معنا

سخن در بیان سبب پیدایش رابطه سببی میان لفظ و معنا بود. اولین دیدگاه ذکر و بررسی شد. دیدگاه دیگر، نظریه مشهور بزرگان اصول است. ایشان معتقدند سبب انتقال ذهن از لفظ به معنا (دلالت تصویری) وضع و اعتبار واضح است. این واضح است که با اعتبار کردن یک لفظ برای معنایی خاص، موجب انتقال ذهن از لفظ مزبور به آن معنای خاص می‌شود. به همین دلیل است که هر لفظ تنها معنایی را تداعی می‌کند که جاعل آن را برای لفظ وضع نموده است. از این دیدگاه می‌توان به عنوان «مسلك اعتبار» نام برد؛ زیرا وضع - که نوعی اعتبار است - را علت سببیت میان لفظ و معنا می‌دانند.

معتقدان به مسلك اعتبار همگی به یک روش مشی نکرده‌اند، بلکه در تعیین متعلق اعتبار سه گروه شده‌اند:

گروه اول

این عده معتقدند جاعل، لفظ را سبب برای معنا قرار داده است و در حقیقت، متعلق جعل، «سببیت» است؛ سببیت لفظ برای تصور معنا.

همان‌طور که پدر کلمه «زید» را بر فرزند خود می‌نهد و آن را سبب به ذهن آمدن تصویر فرزند خود قرار می‌دهد، جاعل نیز، الفاظ را سبب و علت به ذهن آمدن معانی قرار می‌دهد. از این‌رو است که به مجرد تلفظ لفظی، معنای آن به ذهن خطور می‌کند، همان‌گونه که با گفتن «زید» تصویری از فرزند در ذهن حاضر می‌شود.

گروه دوم

برخی دیگر بر این عقیده‌اند که جاعل، الفاظ را ابزار و وسیله‌ای برای تداعی معانی و احضار معنا در ذهن قرار می‌دهد. متعلق جعل در نظر این عده، «أدات و وسیله قرار گرفتن لفظ» است. همان‌طور که چاقو وسیله‌ای برای بریدن اعتبار شده است و خودکار وسیله‌ای برای نوشتن، الفاظ نیز وسیله و ابزاری هستند که جاعل با جعل آن‌ها، معنا را

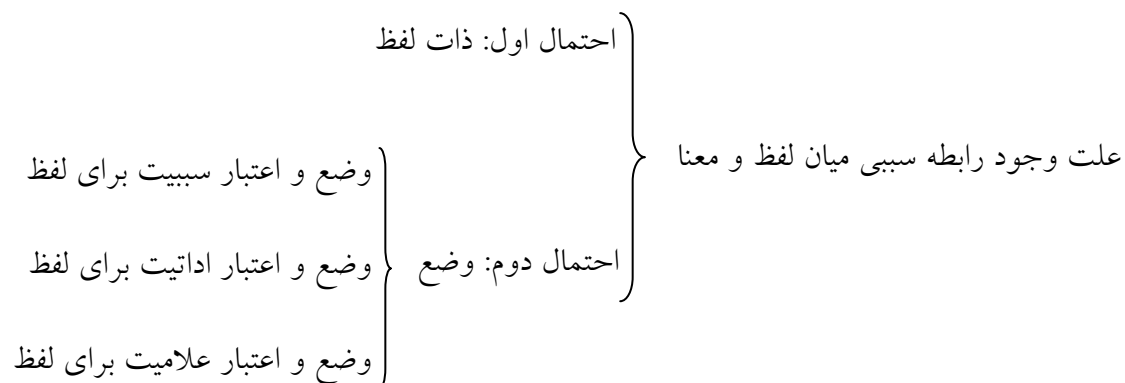
^۱ در تعیین علت وجود رابطه سببی میان تصور لفظ و تصور معنا.

در ذهن حاضر می‌کند. پس با گفتن کلمه «کتاب» تصویر کتاب را در ذهن حاضر می‌کند و این با وسیله قرار دادن کلمه «کتاب» حاصل می‌شود.

گروه سوم

از میان مشهور، عده‌ای نیز لفظ را علامت و نشانه معنا می‌دانند. در نگاه ایشان جاعل، لفظ را به عنوان علامت و نشانه‌ای برای حاضر کردن معنا قرار می‌دهد. مانند تابلوهای کنار جاده که واضح گاهی برای نشان دادن هر فرسخ از راه، یک چوب را در ابتدای هر فرسخ قرار می‌دهد و با این روش به دیگران می‌فهماند که ابتدای هر فرسخ کجاست. این چوب‌ها، نشانه و علامت هر فرسخ هستند که توسط جاعل در کنار جاده نصب شده‌اند. الفاظ نیز علایم و نشانه‌هایی هستند که واضح برای معانی قرار می‌دهد و شنونده با شنیدن هر یک از آن‌ها، به معنایی که بدان اشاره دارد، منتقل می‌شود.

FG۱



تطبیق

الثانی: افتراض ان السببیه المذكورة نشأت من وضع الواضع اللفظ للمعنی، و الوضع نوع اعتبار يجعله الواضع و ان اختلف المحققون فی نوعیه المعتبر،

احتمال دوم (در تعیین علت وجود رابطه سببی میان تصور لفظ و تصور معنا) فرض کردن این است که سببیت مزبور از وضع لفظ برای معنا توسط واضح سرچشمه گرفته است. وضع نوعی اعتبار است که واضح آن را جعل می‌کند، اگرچه محققان (و قایلان به این احتمال) در نوع معتبر (مجعول) اختلاف کرده‌اند.

فهناک من قال إنه اعتبار سببیه اللفظ لتصور المعنی، و من قال انه اعتبار کون اللفظ أداة لتفهیم المعنی، و من قال إنه اعتبار کون اللفظ^۱ علی المعنی، کما توضع الأعمدة علی رؤوس الفراسخ.

^۱ برای روشن‌تر شدن معنا کلمه «علامه» اضافه شود.

پس این‌جا کسی است که قایل است وضع، اعتبار کردن سببیت لفظ برای تصور معناست. و کسی که قایل است وضع، اعتبار کردن این است که لفظ ابزاری برای فهماندن معناست. و کسی که قایل است وضع، اعتبار علامت کردن لفظ بر معناست، همان‌طور که تیرک‌ها ابتدای هر فرسخ (برای دلالت بر فرسخ) وضع می‌شوند.

Sco^۳ ۲۲:۲۷

چکیده

۱. انتقال سریع ذهن از لفظ به معنا «دلالت تصویری لفظ» نامیده می‌شود.
۲. دلالت تصویری، در حقیقت، ارتباط سببی است که میان تصور لفظ و تصور معنا وجود دارد.
۳. علت وجود رابطه سببی میان لفظ و معنا دارای احتمالاتی است:
 احتمال اول: ذات لفظ، سبب انتقال ذهن از لفظ به معناست.
 فساد این احتمال: اگر از باب سببیت ذاتی لفظ بوده می‌بایست برای همگان حاصل شود، حال آن‌که برای جاهلان به معنا، انتقالی رخ نمی‌دهد.
 احتمال دوم: علت انتقال مزبور، جعل و اعتبار جاعل است. مشهور بر این عقیده‌اند و در تعیین متعلق اعتبار اختلاف کرده‌اند.
 دسته اول: جاعل سببیت را برای لفظ جعل می‌کند.
 دسته دوم: جاعل، لفظ را وسیله‌ای برای رساندن معانی جعل می‌کند.
 دسته سوم: جاعل لفظ را نشانه و علامتی برای معانی جعل می‌کند.